

الله أكبر



دانشگاه الزهرا(س)

دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی

پایان‌نامه

جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی

عنوان

مقایسه‌ی گروهی از دانش‌جویان دختر رشته‌ی روان‌شناسی با گروهی از دانش‌جویان رشته‌ی
های دیگر از نظر دانش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های آن‌ها در زمینه‌ی بارداری و زایمان

استاد راهنما

دکتر منصور علی‌حمیدی

استاد مشاور

مهناز اخوان‌تفتی

دانشجو

هانیه‌نرگسی

اسفند ماه سال ۱۳۹۱

"کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به
دانشگاه الزهرا است."

ای پدر از تو هر چه می گویم باز هم کم می آورم

خورشیدی شدی و از روشنایی ات جان گرفتم و در ناامیدی ها نازم را

کشیدی و لبریزم کردی از شوق

اکنون حاصل دستان خسته ات رمز موفقیتم شد

به خودم تبریک می گویم که تو را دارم .

و تو ای مادر، ای شوق زیبایی نفس کشیدن

ای روح مهربان هستی ام

تو رنگ شادی هایم شدی و غم ها را با تمام وجود از من دور کردی و

عمری خستگی ها را به جان خریدی تا اکنون توانستی طعم خوش

پیروزی را به من بچشانی

تقدیم به پدر و مادرم :

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم، پدر و مادری فداکار نسبیم ساخته تا در سایه درخت پر بار
وجودشان بیاسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش
تلاش نمایم. والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم، چرا که
این دو وجود، پس از پروردگار ، مایه هستی ام بوده اند دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی
زندگی پر از فراز و نشیب به من آموختند. آموزگارانی که برایم زندگی، بودن و انسان بودن را معنا
کردند.....

قدردانی و سپاس

قبل از هر چیز سپاس خدای لایتناهی را که الطاف و رحمانیت بی شمارش همواره شامل حال اینجانب گردیده است. اکنون که مرحله دیگری از تحصیلات دانشگاهی خویش را به پایان می‌رسانم بر خود لازم می‌دانم که از اساتید گرانقدری که از محضرشان استفاده نموده‌ام، تشکر نمایم. به ویژه تشکر از استاد ارجمند جناب آقای دکتر منصور علی حمیدی که در تمام مراحل پژوهش با ارائه راهنمایی‌های اندیشمندانه در انجام کار یاریم نمودند. همچنین از استاد مشاور خانم دکتر اخوان که در مراحل پژوهش اینجانب را مساعدت کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم. در اینجا نیز لازم میدانم از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر معتمدی که قضاوت پژوهش را به عهده گرفتند و باعث بهبود کیفیت پژوهش گردیدند تشکر می‌نمایم. همچنین از مسئولین محترم آموزش و کارکنان کتابخانه دانشکده که در این پژوهش یاریم نمودند سپاسگزارم. در پایان لازم می‌دانم از زحمات دوستان عزیز و گرامی که به من در انجام این پژوهش بسیار کمک نمودند، قدردانی و سپاس نمایم. لازم می‌دانم که از داده‌بخشان پژوهش نیز سپاس‌گزاری کنم.

چکیده:

چارچوب نگره‌ای این پژوهش سازایی‌گری پادامیز است که بر سازایی و گروهی بودن آدمی و فرایندهای پرورشی/آموزشی وی پافشاری می‌کند و آموختن را ساختن ساختارهای دانشی، ارزشی، و کنشی می‌انگارد. در این چارچوب اگر سامانه‌های آموزشی زمینه‌های بایسته برای آموختن دانش‌ها، ارزش‌ها، و کنش‌های درپیوند با کار پرورش‌یاری مادران را فراهم نکنند دشواری‌هایی در کارکرد ایشان، و کاستی‌ها و آسیب‌هایی به فرایند بالنده‌گی فرزندشان، به ویژه در دوره‌ی پیش‌زادی، پدید می‌آیند که پیش‌گیری از آن‌ها بایسته است. چنین می‌نماید که سامانه‌های آموزشی ایران در برنامه‌های خود پوشش چندانی به این دوره از فرایند بالنده‌گی نمی‌دهند و بیم آن می‌رود که به‌پایان‌رساننده‌گان دختر در دوره‌های آموزشی گوناگون از آگاهی‌ها و ورزیده‌گی‌های بایسته در زمینه‌ی بارداری و زایمان برخوردار نباشند.

برای روشن‌تر شدن و کمک به حل این مساله، در پژوهش کنونی دو گروه ۸۰ تنی از دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و فنی-مهندسی در زمینه‌های سه‌گانه‌ی یادشده، از راه پرسش، و شماری از کتاب‌های درسی در زمینه‌ی بالنده‌گی، از راه نگرش، سنجش شدند. پرسش‌نامه و نگرش‌نامه‌ی ساخته‌شده برای گردآوری داده‌ها از روایی و پایایی بسنده‌ای (پس از به‌سازی گویه‌نامه، پایایی آن از راه بازآزمایی، در زیربخش دانشی ۰/۷۸، در زیربخش ارزشی ۰/۹۲، و در زیربخش کنشی ۰/۸۴ به دست آمد. برای سنجش پایایی ابزار هم دو نگرنده‌ی کارآموخته یک کتاب را نگرش کردند و میزان هم‌رایی آنان در باره‌ی چون‌وچند پوشش زمینه در آن کتاب بررسی شد که این میزان ۰/۹۳ برآورد شد. برخوردار بودند. داده‌های به‌دست‌آمده با کاربرد آمارهای توصیفی و آزمون‌های آماره‌ای و ناآماره‌ای پردازش شدند و یافته‌های به‌دست‌آمده گویای میانه‌بودن میزان آموخته‌ها و ناهمانندی این میزان‌ها در زمینه‌های سه‌گانه و در دو گروه داده‌بخش هستند.

دانش‌جویان گروه روان‌شناسی که واحد روان‌شناسی رشد را می‌گذرانند نسبت به دانش‌جویان گروه مهندسی که این واحد را نمی‌گذرانند از دانش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های بهینه‌تری در زمینه‌ی بارداری و زایمان برخوردار هستند. هم‌چنین در هر دو گروه ناهماهنگی بین عمل‌کرد آن‌ها در سه زمینه‌ی دانش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌ها دیده می‌شود و هر دو گروه در زمینه‌ی دانشی عمل‌کرد به‌تری داشته‌اند. ولی کیفیت پوشش داده‌شده به زمینه‌ی بارداری و زایمان در کتاب‌های درسی‌ی نگرش‌شده کمی بیش از میانه بود. بر پایه‌ی این یافته‌ها جا دارد که برای بهبود برنامه‌ها و کتاب‌های درسی در این زمینه گام‌های بایسته برداشته شوند.

سياهه‌ی نوشته‌ها

شماره‌ی برگه	سرجسته
۱	گفتار اول: چارچوب نظری/عملی مساله‌ی پژوهش و پرسش‌های پژوهش
۲	پیش‌گفتار
۲	بنیادهای نگره‌ای و بومی
۸	پرسش‌های پژوهش
۸	هدف پژوهش
۹	گفتار دوم: بازنگری نقادانه‌ی پژوهش‌های پیشین
۱۰	پیش‌گفتار
۱۰	ورزش
۱۴	تغذیه
۱۷	اثرچاقی و افزایش وزن
۲۰	اثر شغل
۲۲	بیماری
۲۳	مصرف سیگار و استنشاق دود سیگار
۲۵	خشونت

شماره‌ی برگه	سرجسته
۲۷	برخی عوامل خطرزا
۳۱	اضطراب و فشار روانی
۳۳	روش‌های زایمانی
۳۴	رابطه‌ی جنسی
۳۶	آموزش
۳۸	مشارکت و مراقبت‌های دوره‌ی بارداری
۴۳	گفتار سوم: چارچوب سنجش پژوهش
۴۴	پیش‌گفتار
۴۴	روش داده‌گیری
۴۴	روش شناسایی و گزینش داده‌بخشان
۴۶	ابزارسازی (شناسایی، ساختن و سنجش روایی و پایایی)
۴۷	روش پردازش داده‌ها
۴۸	گفتار چهارم: پردازش داده‌ها
۴۹	پیش‌گفتار
۴۹	بررسی داده‌های جمعیت‌شناختی

شماره ی برگه	سرجسته
۴۹	توصیف داده‌ها
۵۰	جدول ۴-۱: توصیف داده‌ها
۵۱	جدول ۴-۲: داده‌های آزمون تی برای گروه‌های مستقل
۵۲	جدول ۴-۳: آزمون ناآماره‌ای یو من ویتنی
۵۳	جدول ۴-۴: مقایسه‌ی دانش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌ها
۵۳	جدول ۴-۵: تبدیل میانگین دانش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌ها به نمره‌ی ۰ تا ۲۰
۵۵	جدول ۴-۶: تحلیل محتوا
۵۵	جدول ۴-۷: تحلیل محتوا ۲
۵۶	جدول ۴-۸: تحلیل محتوا ۳
۵۶	جدول ۴-۹: تحلیل محتوا ۴
۵۷	جدول ۴-۱۰: تحلیل محتوا ۵
۵۷	جدول ۴-۱۱: تحلیل محتوا ۶
۵۸	جدول ۴-۱۲: تحلیل محتوا ۷
۵۸	جدول ۴-۱۳: تحلیل محتوا ۸

شماره‌ی برگه	سرجسته
۵۹	رتبه بندی کتاب‌های نگرش شده بر اساس کیفیت پوشش
۵۹	رتبه‌بندی کتاب‌های نگرش شده بر اساس کیفیت نگارش
۶۰	بررسی نقطه‌های قوت در کتاب‌های نگرش شده
۶۰	بررسی نقطه‌های ضعف در کتاب‌های نگرش شده
۶۱	گفتار پنجم: بحث و نتیجه‌گیری
۶۲	پیش‌گفتار
۶۲	فشرده‌ای از بنیاد فلسفی / نظریه‌ی پژوهش و روش انجام آن
۶۶	کاستی‌های دیر دریافتی پژوهش
۶۷	پیشنهاد‌های پژوهش
۶۸	سیاهه‌ی اشاره‌ها
۷۳	پیوست ۱: نظریه‌ی سازایی‌گری
۸۳	پیوست ۲: نظریه‌ی پیازه
۹۳	پیوست ۳: نظریه‌ی اریکسن
۹۹	پیوست ۴: نظریه‌ی بالبی
۱۰۶	پیوست ۵: رشد پیش‌زادی

سرجسته

شماره‌ی برگه

پیوست ۶: نمونه‌ای از گویه‌نامه

۱۱۰

پیوست ۷: نمونه‌ای از نگرش‌نامه

۱۱۸

گفتار اول:

چارچوب نظری/عملی مساله ی پژوهش و پرسش های پژوهش

گفتار اول: چارچوب نظری/عملی مساله‌ی پژوهش و پرسش‌های پژوهش

پیش‌گفتار:

در این گفتار نخست بنیادهای نگره‌ای در چارچوب نظری بازگو می‌شود. سپس واقعیت‌های بومی برجسته‌گی پژوهش در زمینه‌ی بارداری و زایمان را نشان می‌دهند و به وسیله‌ی این دو بخش، مساله‌ی پژوهش روشن می‌گردد و بر اساس این دو پرسش‌ها و هدف پژوهش نیز روشن می‌شوند.

بنیادهای نگره‌ای و بومی:

دیدگاه بنیادی این پژوهش سازایی‌گری است که بر سازایی و همه‌سویه‌نگری پا فشاری می‌کند و کل‌نگری را ارج می‌نهد (سیف، ۱۳۸۱). تا چند سال پیش بررسی بالنده‌گی پیش‌زادی به دلیل نبود دسترسی به ابزار لازم، بسیار دشوار بوده و پیش‌گامان روان‌شناسی بالنده‌گی کم‌تر به این مرحله از زنده‌گی می‌پرداختند. از همین روی، نقطه‌ی آغاز فرآیند بالنده‌گی را تولد می‌انگاشتند (حمیدی، ۱۳۸۷). این در حالی است که رشد دوره‌ی پیش‌زادی سرآغاز بالنده‌گی است و می‌تواند بر بالنده‌گی پس از تولد سهم ویژه‌ای داشته باشد. می‌توان گفت که دوره‌ی پیش‌زادی بخشی از مرحله‌های بالنده‌گی است. در این دوره رحم مادر نخستین زیست‌گاه نازاده‌ی بالنده است. شاید بیشتر مردم رشد در دوره‌ی پیش‌زادی را تنها در بعد تنی می‌بینند و بالنده‌گی در بعدهای فراتنی (شناختی، عاطفی و رفتاری) را تنها در پیوند با دوره‌های پس از زاد می‌پندارند. ولی امروزه آشکار شده است که مادر در جای‌گاه نگره‌بان زیست‌گاه نازاده، می‌تواند کارکرد عمده‌ای در کمک به فرآیند بالنده‌گی همه‌سویه‌ی نازاده داشته باشد. بازخورد مادر به بارداری و زایمان (درک این مسئولیت، بها دادن به آن و انجام کارهایی که از این درک و بها برمی‌خیزد) چه‌گونه‌گی این کارکرد بنیادین مادر در فرآیند بالنده‌گی نازاده را رقم می‌زند

(حمیدی، ۱۳۸۵). به عبارتی تن مادر به عنوان محلی امن برای رشد و تکامل جسمی نازاده دارای اهمیت بسیاری است. اما مسئولیت بالنده‌گی شناختی، عاطفی و رفتاری نازاده به عهده‌ی چه کسی است؟ با نگاهی دقیق‌تر پاسخ این سوال مهم و حیاتی، روشن و آشکار است که این امر مهم نیز بر دوش مادر است. البته این موضوع باید در حیطه‌ای وسیع‌تر بررسی شود. نگره‌های سازائی‌گری که بر تعامل زینده و زیست‌گاه پافشاری دارند بنیاد و چارچوب بایسته را برای پرداختن به این ویژه‌گی و کارکرد فراهم می‌کنند.

دیدگاه سازائی‌گری و نظریه‌های رشد شناختی پیازه، رشد روانی- اجتماعی اریکسن و رشد عاطفی بالبی چارچوب نگره‌ای پژوهش کنونی را پدید می‌آورند (حمیدی، ۱۳۸۷). به گفته‌ی سیف (۱۳۸۱) از دیدگاه سازائی‌گری زینده سازا است و این سازائی در دوره‌ی پیش‌زادی نیز، هم‌چنان در کار است. چون نازاده در این دوره هم به عنوان یک زینده با زیست‌گاه خود که تن مادرش است، تعامل دارد و سویه‌های گوناگون هستی‌اش را می‌سازد. به گفته‌ی حمیدی (۱۳۸۷) تا تنی نباشد فراتنی نیست. زینده نخست، تن خود را می‌سازد و سپس به ساختن فراتن خود می‌پردازد. منظور از فراتن سویه‌های شناختی، ارزشی و رفتاری است (همان). هستی آدمی در تعامل با زیست‌گاه ساخته می‌شود. هنگامی که زیست‌گاه تن مادر است و او خود نیز دارای این سویه‌ها است، این که وی در زمینه‌ی نگهداری از نازاده چه می‌داند، برای چه چیزی ارزش قائل است و چه‌گونه رفتار می‌کند در فرآیند بالنده‌گی نازاده نقش برجسته‌ای بازی می‌کند. مادر باید درکی صحیح و ذهنی روشن از این مسئولیت مهم داشته باشد. از دیدگاه سازائی‌گر رشد بهینه‌ی نازاده وابسته به کارکرد و دهش بهینه و همه سویه‌ی مادر است و اگر این کارکرد و دهش همه‌سویه و بهینه نباشد فرآیند بالنده‌گی نازاده هم کاستی‌مند و مساله‌ساز خواهد بود. بنابراین مسئله‌ی پژوهشی ما در چارچوب سازایی‌گری این است که نبود یا کم‌بود دهش مادر در همه‌ی سویه‌های تنی و فراتنی زمینه‌ساز کاستی در فرآیند رشد در دوره‌ی پیش‌زادی می‌شود. به درستی که کاستی در بالنده‌گی پیش‌زادی می‌تواند به کاستی در

بالنده گی پس زادی بیانجامد. چون در بالنده گی پیش زادی و پس زادی پیوسته گی هایی دیده می شود (حمیدی، ۱۳۸۷). یعنی هر چه در دوره ی پیش زادی فرآیند بالنده گی نازاده کاستی های کمتری داشته، در دوره ی پس از زاد نیز دشواری ها کم تر خواهند بود. برای این که بالنده گی پیش زادی از کاستی های زیست گاهی به دور باشد مادر باید به مسئولیت خود که همانا آماده کردن بستری مناسب برای رشد تنی و فراتنی نازاده است، آگاه باشد و از پس آن برآید. کیفیت و غنای زیست گاه است که چه گونه گی تعامل زینده با آن را تعیین می کند. در هر یک از نظریه های سازایی گر بر تعامل و دهش دیگران به فرآیندهای بالنده گی شناختی، عاطفی و رفتاری پافشاری شده است.

نگره ی پیازه هر چند به بالنده گی پس زادی پرداخته ولی می توان به آسانی دوره ی پیش زادی را هم در چارچوب آن دید. در این نظریه که به رشد شناختی می پردازد بر فعالیت و تعامل کودک با محیط پافشاری شده و زمینه ساز اصلی بالنده گی شناخته شده است (منصور، ۱۳۸۴). در دوره ی پیش زادی نیز فعالیت و تعامل نازاده با زیست گاهش که همان تن مادرش است، زمینه ساز رشد وی می شود. به همین دلیل است که باز خورد مادر به بارداری و زایمان و به نقشی که در فرآیند بالنده گی نازاده دارد، می تواند بر بالنده گی او تاثیر بگذارد. چون دانسته ها، پای بندی ها و مهارت های مادر هستند که زمینه ساز کیفیت تعامل نازاده با زیست گاهش می شوند. مادر در جای گاه زیست بان این زیست گاه، وظیفه ی سنگینی را بر دوش دارد. آگاهی از این وظیفه، دل بسته بودن به این وظیفه و انجام بهینه ی کنش های برخاسته از این دانش و دل بسته گی، کارکردی چشم گیر در فرآیند بالنده گی نازاده دارد. هر نوع کم بود یا کاستی در زیست گاه پیش زادی می تواند زمینه ساز نه تنها نارسایی هایی در بالنده گی های نازاده، که در مرحله های بالنده گی شناختی پس از زاد او هم بشود. به راستی که می توان دوره ی پیش زادی را مرحله ی پیش حسی - حرکتی نامید. در نظریه ی پیازه که یک نظریه ی تعاملی است، نخستین مرحله، حسی - حرکتی نام دارد که از زاد تا دوساله گی است (محسنی، ۱۳۸۳). در

نتیجه می‌توان بالنده‌گی پیش‌زادی را زمینه‌ساز این مرحله پنداشت، چون همانند آن، حاصل تعامل میان عامل‌های زیستی و تجربه‌های محیطی است. مراد از عامل‌های زیستی آن‌هایی هستند که به نازاده مربوط می‌شوند ولی تجربه‌های محیطی را مادر برای نازاده فراهم می‌آورد (همان). از این روی دانش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های مادر در زمینه‌ی بارداری و زایمان و (یا بازخوردی که مادر به این زمینه دارد) از اهمیت ویژه‌ای در غنا بخشیدن به این تجربه‌ها برخوردار است. از سوی دیگر، چون پیازه زینده را یک سامانه‌ی باز می‌بیند به گفته‌ی سید محمدی (۱۳۸۷) همیشه با خطر نابودی روبه‌رو است، چون شاید زیست‌گاه نتواند زمینه و پشتیبانی لازم، برای بقای او را فراهم کند. پس نازاده نیز با چنین خطری روبه‌رو خواهد بود، اگر زیست‌گاه و زیست‌بان وی نتواند زمینه‌سازی و پشت‌بانی بایسته برای بالنده‌گی وی فراهم کند. هم‌چنین می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که از نظر پیازه هر مرحله از فرآیند بالنده‌گی برخاسته از تعادل‌جویی در مرحله‌ی پیشین است و در آن ریشه دارد (فیروزبخت، ۱۳۸۶). پس دوره‌ی پیش‌زادی را می‌توان پیش‌سازمان‌دهنده‌ی مرحله‌ی حسی-حرکتی پنداشت و هر گونه کاستی‌ای در بالنده‌گی پیش‌زادی را زمینه‌ساز کاستی در رشد حسی-حرکتی دانست. کاستی در مرحله‌ی حسی-حرکتی می‌تواند به کاستی در دیگر مرحله‌های بالنده‌گی شناختی بیانجامد. چنین برداشتی را می‌توان از نظریه‌های رشد روانی-اجتماعی اریکسن و رشد عاطفی بالبی نیز کرد.

در نظریه‌ی اریکسن، که تعامل زینده با انسان‌های پیرامون، بنیادی برای رشد در زمینه‌ی ویژه‌گی‌های شخصیتی به شمار می‌آید (سیف، کدیور، کرمی نوری و لطف آبادی، ۱۳۸۵) هم به آسانی می‌توان دوره‌ی پیش‌زادی را به آن افزود. زیرا تعامل نازاده و مادر از این دوره آغاز می‌شود و کیفیت و برآیند آن بسته‌گی به کیفیت کارهایی دارد که مادر در پیوند با نازاده‌اش انجام می‌دهد. پر آشکار است که چنین کارهایی برخاسته از دانسته‌ها و پای‌بندی‌های وی در زمینه‌ی بارداری و زایمان و فرآیند بالنده‌گی نازاده هستند و می‌تواند زمینه‌ساز ویژه‌گی

شخصیتی اعتماد که در مرحله‌ی نخست در نظریه‌ی اریکسن ساخته می‌شود، باشد. به سخنی دیگر، اگر شیرخواره در سال نخست زنده‌گی نتواند بحران اعتماد کردن/نکردن را به خوبی از سر بگذراند، چه بسا ریشه در تعامل وی با مادرش در دوره‌ی پیش‌زادی داشته باشد.

در نظریه‌ی بالبی که بالنده‌گی عاطفی نتیجه‌ی تعامل کودک با مادر یا کسی که این نقش را دارد، است (یاسایی، ۱۳۸۶) هم می‌توان مرحله‌ی نخست را به دوره‌ی پیش‌زادی گسترش داد و این دوره را زمینه‌ای برای بالنده‌گی عاطفی پس از تولد پنداشت. در دوره‌ی پیش‌زادی تنها انسانی که نازاده با وی در تعامل است، مادر است، مادری که تنها ارتباط تنی با نازاده ندارد و بلکه سویه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری وی نیز با همین سویه‌های نازاده در پیوندند. از این روی هر نوع کم‌بود در این ابعاد وجودی مادر، بالنده‌گی نازاده را کاستی‌مند می‌کند. در واقع در دوره‌ی پیش‌زادی هم رشد شناختی، هم رشد عاطفی و هم رشد رفتاری در کنار رشد جسمی وابسته به تعامل نازاده با مادرش است و چنان چه این تعامل کاستی‌مند باشد، بالنده‌گی نازاده هم به همان میزان کاستی‌مند خواهد بود. نظریه‌ی بالبی که مادر یا پرورش‌یار را در مرحله‌ی نخست بالنده‌گی عاطفی بسیار موثر می‌داند (حمیدی، ۱۳۹۰) با این گفته که در دوره‌ی پیش‌زادی نیز مادر به نازاده در بالنده‌گی عاطفی کمک می‌کند، سازگار است و مانند دو نظریه‌ی دیگر (پیاژه و اریکسن) پیش‌بینی می‌کند که اگر در تعامل مادر و زینده در این دوره کاستی‌هایی باشد، فرآیند بالنده‌گی به دشواری‌هایی دچار می‌شود که در همین دوره و دوره‌های دیگر رشد نمایان خواهند شد، دشواری‌هایی که واقعیت‌های بومی نیز می‌توانند نشان‌دهنده‌ی آن‌ها باشند.

این که نا آگاهی و کم‌دانی مادر در دوره‌ی بارداری، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش شمار سقط جنین، زایمان‌های مشکل‌دار، سزارین، مرده‌زایی و ناقص‌زایی شود، پذیرفتنی است. آمارهای موجود نیز می‌توانند گویای بزرگی و گسترده‌گی این مسئله باشند. به گفته‌ی مدیر کل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت (۱۳۹۰) سالانه در کشور هشتاد هزار مورد

سقط جنین قانونی و غیر قانونی انجام می‌شود که تنها برخی از آن‌ها به علت مشکل‌های ژنتیکی جنین است. هم‌چنین سالانه یک میلیون و دویست هزار تولد در کشور رخ می‌دهد که هفده درصد بارداری‌ها ناخواسته است، به گفته‌ی وی در هر صد نوزادی که به دنیا می‌آیند یکی می‌میرد و شصت درصد از این مرگ‌ها در هنگام زایمان است. هم‌چنین به گفته‌ی معاون پیش‌گیری سازمان بهزیستی (۱۳۸۴) آمار تولد نوزادان عقب‌مانده‌ی ذهنی در ایران از میانگین جهانی بیشتر است. در همه‌ی کشورهای جهان سه تا پنج درصد نوزادانی که متولد می‌شوند دچار عقب‌مانده‌گی ذهنی هستند ولی در کشور ما این میزان بیشتر است. هم‌چنین میزان نارس‌زایی ۵۳/۵ در هزار تولد است که این می‌تواند بر آیند نادانسته‌های مادر در زمینه‌ی نگهداری از نازاده باشد. این آمارها ضرورت پرداختن به این مسئله را روشن می‌سازند و گویای آنند که در چارچوب بومی نیز می‌توان نشانه‌هایی از مساله‌ی پژوهشی را دید. همان‌طور که می‌دانیم در دانش‌گاه‌های ایران واحدی برای مادر شدن به دانش‌جوها ارائه نمی‌شود، مگر در رشته‌ی روان‌شناسی که واحدی با عنوان روان‌شناسی رشد ارائه می‌شود که در این واحد درسی نیز توجه عمده به دوره‌ی پس از تولد است و تنها قسمت کوچکی از آن به بالنده‌گی پیش‌زادی می‌پردازد. ولی این احتمال وجود دارد که دانش‌جوی روان‌شناسی علاقه مند شود و خودش به دنبال کسب دانش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های بایسته در این دوره برود. ولی دانش‌جویان رشته‌های غیر روان‌شناسی حتی از این فرصت نیز محروم هستند. به همین دلیل در این پژوهش بین دانش‌جویان روان‌شناسی و دانش‌جویان رشته‌های دیگر مقایسه‌ای انجام می‌دهیم. هم‌چنین به ارزش‌یابی کتاب‌های رشد از روش تحلیل محتوا می‌پردازیم. زیرا اگر تفاوتی بین دانش‌جویان روان‌شناسی و سایر رشته‌ها دیده شود می‌تواند این تفاوت به دلیل مطالعه‌ی کتاب‌های روان‌شناسی بالنده‌گی از سوی دانش‌جویان روان‌شناسی باشد. بنابراین پرسش پژوهشی‌ای که بر مبنای چارچوب نظری/عملی پژوهش حاضر مطرح می‌شود این است که آیا دانش‌جویان روان‌شناسی که واحد روان‌شناسی رشد را می‌گذرانند نسبت به دانش‌جویان سایر رشته‌ها که این

واحد را نمی‌گذرانند از شناخت‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های بهینه‌تری نسبت به بارداری و زایمان برخوردار هستند؟ آیا هماهنگی بین دانش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌ها درباره‌ی بارداری و زایمان در دو گروه متفاوت است؟ و همچنین کتاب‌های روان‌شناسی بالنده‌گی در زمینه‌ی بالنده‌گی پیش‌زادی به چه مطالبی می‌پردازند و با چه کیفیتی از پوشش و نگارش این مطالب را بیان می‌کنند؟

هدف پژوهش:

هدف هر پژوهشی کمک به حل مسأله‌ی پژوهشی از راه پاسخ دادن به پرسش‌های پژوهشی است. هدف این پژوهش زمینه‌سازی برای کمک به فرآیند بالنده‌گی است که از دوره‌ی پیش‌زادی آغاز می‌شود. هرگونه ناسازنده‌گی یا نارسایی در بازخورد را می‌توان از راه دوره‌های آموزشی از میان برداشت. ولی نخست بایسته است که نیاز به این دوره‌های آموزشی آشکار شود. شاید مقایسه‌ی دو گروه دانش‌جو گویای این باشد که حتی دانش‌جویان روان‌شناسی نیز از دانش‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های بایسته در زمینه‌ی بارداری و زایمان برخوردار نیستند.